

بسم الله الرحمن الرحيم

سرزمین ممنوعه؛ چرا تدریس اسلام به کودکان تهدید شمرده می‌شود؟

(ترجمه)

مجازات کسانی که به کودکان آموزش دینی می‌دهند در ازبکستان تشدید شده است. نمایندگان مجلس عالی ازبکستان این تعدیل را که می‌تواند بر زندگی هزاران نفر تأثیر بگذارد در یک روز تصویب کردند و آن را «فقط یک ماده کوچک» توصیف نمودند. بر اساس پیش‌نویس قانونی که مجلس قانون‌گذاری ازبکستان در ۱۳ می تصویب کرد، از این پس افراد و نهادهای حقوقی که به کسانی زیر ۱۸ سال آموزش دینی ارائه کنند، می‌توانند مستقیماً تحت مسئولیت کیفری قرار گیرند.

بر اساس قانون فعلی، این افراد پیش‌تر تنها با پیامدهای اداری روبه‌رو می‌شدند؛ اما با اجرایی‌شدن قانون جدید، این روند تغییر خواهد کرد. مقامات ازبکستان نیاز به این قانون را با افزایش موارد آموزش دینی غیرقانونی در سال‌های اخیر توجیه کرده‌اند. نماینده عبدالله اسلونوف، که ابتکار این طرح را بر عهده داشت، چنین اظهار کرده است: «در سال‌های اخیر شمار کودکانی که به‌طور غیرقانونی آموزش دینی دریافت می‌کنند افزایش یافته است. در بیشتر موارد، کودکان به مراکز و نهادهای غیررسمی فرستاده می‌شوند که هیچ سند و مجوزی ندارند و ثبت‌شده نیستند. معمولاً این کودکان را نزد افرادی می‌فرستند که خودشان هیچ‌گونه آموزش دینی ندارند». تعدیل جدید به‌طور قانونی راه را برای حبس تا سه سال برای هرکسی که به کودکان آموزش دینی ارائه کند باز می‌کند. به گفته ناظران، آزادی‌های دینی‌ای که با به قدرت رسیدن شوکت میرضیایف داده شده بود، با گذشت سال‌ها رو به زوال است.

برخی می‌گویند دولت ناچار است این اقدام را برای جلوگیری از افراط‌گرایی جوانان و پیوستن آنان به گروه‌های مسلح مختلف انجام دهد. اسلام را الله سبحانه و تعالی برای تمام بشریت نازل کرده و نخستین آیه‌ای که نازل شد با «اقرا» آغاز می‌شود. اقرا یعنی بیاموز، بفهم و پروردگارت را بشناس؛ او را با عقل خویش و در پرتو تأمل در آفرینش بشناس. «یک ساعت دانش بهتر از یک سال عبادت است»؛ زیرا کسی که دانش آموخته با آن‌که نیاموخته برابر نیست. معرفت فراوان است که راه را برای ما روشن می‌سازد و مسیر را بر ما آشکار می‌کند.

دوران کودکی مناسب‌ترین مرحله برای به‌دست‌آوردن دانش است، اما از آن‌جا که زندگی ما زیر چتر نظام اسلامی اداره نمی‌شود، در سایه نظام سرمایه‌داری فاسد زندگی را آغاز کرده‌ایم. طبیعی است که بخش آموزش نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. بیش از یک قرن است که مکتب‌ها و دانشگاه‌های ما نظام آموزشی‌ای را به‌کار می‌گیرند که گاهی بر پایه سرمایه‌داری و گاهی بر مبنای سوسیالیسم بنا شده است. دشمنان اسلام نمی‌خواهند امت اسلامی بیدار شود، به عزت و شرف خویش بازگردد و حکومت به‌دست مسلمانان برگردد. نظام مزدور ازبکستان نیز از این قاعده مستثنا نیست.

میرضیایف که پس از طاغوت کریموف به قدرت رسید، در مبارزه با اسلام بر همان مسیر قدم گذاشته است. قانونی که این پارلمان تازه‌کار تصویب کرده و آموزش دینی به کودکان در خانه‌ها را جرم می‌شمارد و مجازات‌های سختی برای آن وضع می‌کند، آشکارترین نمونه همین رویکرد است. از یک‌سو جنگی علیه اسلام به‌راه انداخته‌اند و از سوی دیگر، در وسیعی برای برگزاری مسابقات ورزشی و باشگاه‌های گوناگون رقص در میان جوانان سرزمین گشوده‌اند.

در حالی‌که دختران و زنان جوان در مسابقه‌ها روی صحنه‌های بزرگ با لباس‌های نیمه‌برهنه شرکت می‌کنند، روی سینه‌ها می‌رقصند، جشن‌های موسیقی برگزار می‌کنند و از جوانان در عرصه‌های مختلف تصویری از «موفقیت» ارائه می‌شود، جوانانی که آموزش دینی می‌بینند «گمراه» شمرده می‌شوند و گفته می‌شود که به جریان‌های دینی «افراطی» پیوسته‌اند.

چه وضع اسفباری! در حالی‌که دختران محببه در مکتب‌ها مورد آزار و توهین قرار می‌گیرند، ازبکستان شرایطی مناسب فراهم کرد تا «جنیفر لופز» به این سرزمین سفر کند و چندین روز کنسرت برگزار نماید؛ رویدادی که جنجال بزرگی در شبکه‌های اجتماعی برپا کرد، بی‌آن‌که حکومت لحظه‌ای در پیاده‌های منفی آن بر تربیت جوانان ببیند.

آنچه آنان را می‌ترساند و نگران می‌کند فرهنگ بیگانه و اردشده از غرب نیست؛ بلکه بازگشت ما به زندگی اسلامی است؛ همان زندگی که نیاکان ما در آن می‌زیستند. امروز می‌کوشند ما را از آن دور سازند و از ریشه‌هایمان جدا کنند. به همین دلیل حتی از کودکانی که دین‌شان را می‌آموزند، یا برای نماز به مسجد می‌روند، و از دخترانی که «خمار» می‌پوشند نیز هراس دارند.

اما دیگر دیر شده است! مسلمانان از جمله جوانان بیدار شده‌اند و دریافته‌اند که رهایی و خوشبختی واقعی در اسلام است. به همین دلیل، با وجود همه این موانع، مکتب‌های پنهانی در خانه‌ها گشوده می‌شود و صدها کودک در آن‌ها آموزش دینی می‌بینند. آنان می‌خواهند نور الله سبحانه و تعالی را خاموش کنند، اما هرگز نمی‌توانند؛ و الله سبحانه و تعالی نور خود را به کمال می‌رساند.

رضای الله سبحانه و تعالی بر برادران و خواهران مسلمان‌مان باد؛ آنان که تنها از الله می‌ترسند و شب و روز برای سربلندی دین او تلاش می‌کنند و کودکان را بی‌اعتنا به قانون و تهدید زندان از احکام اسلام آموزش می‌دهند. اما حاکمان این رژیم‌ها که به کفر خدمت می‌کنند و با اسلام و مسلمانان می‌جنگند با آن‌که خود را مسلمان می‌خوانند به آنان یادآور می‌شویم که دین الله سبحانه و تعالی بر زمین آشکار خواهد شد و تخت‌های‌شان درهم کوبیده خواهد شد و نظام‌های باطل‌شان از صفحه زمین محو می‌گردد. آن‌گاه نه در امریکا و نه در روسیه و چین، هیچ حمایتی برایشان یافت نخواهد شد؛ بلکه همان اربابان، ایشان را رها خواهند کرد و آنان به‌سبب اعمال‌شان مورد حسابرسی قرار خواهند گرفت.

پس تا زمانی که فرصت هنوز باقی است، به آنان نصیحت می‌کنیم که راه حق را در پیش گیرند و با نظام‌های کفر بجنگند، نه با اسلام؛ چنان‌که الله سبحانه و تعالی وعده داده است، پس از دوران «سلطنت جبری»، خلافت راشده بر منهج نبوت بار دیگر بازخواهد گشت. قال رسول الله ﷺ:

«تَكُونُ النَّبُوءَةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاصًا فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ. ثُمَّ سَكَتَ».

ترجمه: نبوت در میان شما خواهد بود تا زمانی که الله بخواهد؛ سپس هرگاه بخواهد آن را برمی‌دارد. سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود و تا زمانی که الله بخواهد ادامه می‌یابد؛ پس هرگاه بخواهد آن را برمی‌دارد. سپس پادشاهی گزنده پدید می‌آید و تا زمانی که الله بخواهد ادامه خواهد داشت؛ سپس هرگاه بخواهد آن را برمی‌دارد. سپس پادشاهی جبری خواهد آمد و تا زمانی که الله بخواهد ادامه می‌یابد؛ سپس هرگاه بخواهد آن را برمی‌دارد. آنگاه خلافتی بر منهج نبوت بازخواهد گشت. سپس سکوت کردند.

نویسنده: مخلصه الأوزبکی

مترجم: پارسا امیدی